

هو الله - اللهم يا هادي الأمم الى ظل اسمك الاعظم...

حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسي



۱۱۳

هو الله

اللهم يا هادي الأمم الى ظل اسمك الاعظم و رافع راية نور القدم في قطب العالم و ناصب خباء الوحدة الانسانية في قطب الامكان و تدعوا الكل ان يستظلوا تحت هذا الخيام و يأترفوا و يتجاذبوا و يتحابوا و يتأنسوا بكل صدق و شعف و انجذاب رب مهّد السبيل و سهّل الطريق و أيد الخلق على السلوك في هذا السبيل.

الهي الهى قد ماج بحر الاختلاف و هاج ريح العناد في تلك البلاد و انقسموا بالاحزاب و اضرمو نار الانقلاب و تزلزلت الأرض و ارتفع الغبار المثار الى كافة الديار رب ارحم الاطفال الرضع و الشيوخ الخضع حتى البهائم الرتع و انقذ البلاد من الاختلاف و اجعل الاقليم مطمئناً أميناً و الحكومة حصناً حصيناً حتى تلعو معالم الحب و الوفاء و يظهر مآثر الانس و الولاء و يتبدل الاختلاف بالائتلاف بين الاحزاب و يستأصل هذا الانقلاب.

الهي الهى ان عبدك مهدي يهدي الى الرشد و يفدى روحه في سبيلك و يروى العطاش من ماء معين و يطعم الجياع من مائدة نزلت من السماء الرفيع و يعالج كل عليل بدرياق محبتك يا ربّي الجليل رب كن له ظهيراً بين عبادك و مجيراً من خذلة بريتك و آدم عليه فيوضاتك الرحمانية و قدر له كل خير في ملكوت عزتك الربانية و



ORIGINAL



AUDIO

اسقه كأساً طافحة من صهباء محبتك حتى يترنم بأبدع الألحان ويحدث بموهبتك وينشر مائدة رحمتك أنك أنت الكريم أنك أنت العظيم أنك أنت الرحمن الرحيم.

ای جناب مهدی فی الحقیقه استحقاق آن داری که کتاب مبین در جواب بشما مرقوم گردد ولی چه توان نمود که دمی نیاسیم و فرصتی ندارم و مخبره بشرق و غرب متواصل لهذا مجبور بر اختصارم البته از این قصور معذور میدارید. مختصر اینست که باید در عراق شمع آفاق گردی و مستفیض از پرتو نیر اشراق نظر باستعداد خود نما باید نظر بالطف جمال ابری ثنائی زیرا فیوضات بی پایانست و فضل و موهبتش بیحصر و کران صعوه جفا را بلبل وفا کند و مور ضعیف را سریر سلطنت سلیمانی بخشد خاک سیاه را گلشن و گلستان نماید و بندهٔ پر گناه را در جوار رحمت پناه بخشد. پس جمیع توجه را باید بالطف او نمائیم آنچه میطلبیم از او طلبیم و آنچه آرزو داریم از او جوئیم تا شمع بر افروزیم و مانند پروانه بال و پر بسوزیم. امروز روز عبودیت در گاه است و وقت اعلاء کلمه الله و یوم نشر نفعات الله. ایام را غنیمت دانیم و فرصت از دست ندهیم و بهوی و هوس خویش نپردازیم فانی در جمال ابری گردیم و در هر دمی هزار جانفشانی نمائیم اگر در این سبیل سلوک کنیم جمیع ابواب مفتوح است و صدور مشروح و الا از حیات نه نتیجه و ثمری و از شجره وجود نه شکوفه و برگی.

از یک بیت مثنوی سؤال نموده بودید جواب مفصل لازم ولی بجان عزیزت قسم که مهلت و فرصت ندارم و آن اینست که دو کتاب منشور است یکی کتاب تکوین و دیگری کتاب تدوین. کتاب تدوین کتب آسمانیست که بر انبیای الهی نازل و از فم مطهر حق صادر کتاب تکوین این لوح محفوظ امکانست و رق منشور اکوان و تکوین طبق تدوینست. در کتاب تدوین سور و آیات و کلمات و حروف موجود و حقائق و معانی در آن مندمج و مندرج. و همچنین کتاب تکوین منشور الهی است و صحیفه اسرار ربانی آیات عظیمه موجود و صور کلیه مشهود و کلمات تامه مثبت و حروفات عالیه منظور و اسرار ما کان و ما یکون در آن موجود. چون تدوین بخوانی باسرار الهیه واقف گردی و چون در کتاب تکوین نظر ثنائی آثار و رموز و حقائق و شئون و تجلیات سر مکنون و فیوضات حضرت بیچون مشاهده کنی اینست که در قرآن خطاب میفرماید "انظر الی الابل کیف خلقت و الی السماء کیف رفعت و الی الأرض کیف سطحت و الی البحار کیف سبجت" و امثال ذلک. پس معلوم و واضح شد که در عالم تدوین حروف و کلمات و آیاتست و در عالم تکوین نیز حروف و کلمات و آیات. ملا خواسته است که تکوین را تطبیق بتدوین نماید و تشبیه عاشقانه کند اینست که میگوید:

نون ابرو صاد چشم و جیم گوش
ور نوشتی فتنه صد عقل و هوش

و همچنین الف را بقامت تشبیه نموده اند و سین را باسنان و فم را بمیم و لام را بعذار و امثال ذلک. جوهر مقصود اینست که تکوین طبق تدوین است و این یقین است و لکن بیان حضرات مجرد از عالم تشبیه است بفکری عاشقانه و جوشش مستانه آهنگی منجذبانانه بزدند و وجد و طربی نمودند و فرح و سروری یافتند این در

آنزمان بود. حال الحمد لله بفضل نامتناهی الهی و عنایت جمال قدم ابواب اسرار بر روی یار و اغیار مفتوح گشته عالم کون در جنبش است و اسرار ماکان و مایکون روز بروز ظاهر ”وأخرجت الأرض أثقالها يومئذ تحدث أخبارها“ ظاهر و آشکار گردیده دیگر شما بنظر دقیق در این بیان مطالعه نما تا حقیقت ”و أنت الكتاب المبين الذي باحرفه يظهر المضمّر“ ظاهر و آشکار گردد. بامه الله الموقنه حرم محترمه تکبیر ابداع ابهی ابلاغ دار از فضل جمال قدم روحی لأحبائه الفدا امید چنانست که حاجت او روا گردد و همچنین در آستان مقدس حین زیارت طلب عفو و مغفرت از برای ابوی آنحضرت مینمایم و علیک البهاء الأبهی (ع)

